

## بررسی بیمه عدم منفعت از منظر فقه و حقوق ج.ا. ایران

محسن ابراهیمی<sup>۱</sup>، نصراله بازاری<sup>۲</sup>، محمد اکبری<sup>۲</sup>

### چکیده

با مراجعه به متون فقهی و قانونی و نظرات اساتید و علمای شیعه و سنی برخی قائل به تفکیک بین عدم‌المنفع و تقویت منفعت شده‌اند و برخی دیگر هر دو را یکی می‌دانند، حال با این اوصاف با هدف نقش شرکت‌های بیمه (بیمه‌گر) در پوشش قرار دادن خسارت‌های عدم‌المنفع این موارد را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهیم. بیمه عدم‌المنفع نوعی بیمه زیان پولی است، بیمه زیان پولی در واقع بیمه‌ای است که موضوع آن تضمین جبران پولی غیرمادی بیمه‌گذار، مانند از دست دادن درآمد، سود، اجاره‌بها و یا کاهش ارزش پولی است. در واقع، عدم‌المنفع به معنای اعم، شامل تقویت منافع محقق و محتمل می‌شود و صرفاً منافع محقق فوت شده قابل جبران است که در این مقاله عدم‌المنفع به معنای اخص در نظر گرفته و ضمان‌آور می‌دانیم. با بررسی قوانین و مقررات و تطابق مواد قانونی در موضوع عدم‌المنفع و بیمه آن، می‌طلبد که در این حیطه به منظور روشن شدن بحث و نتیجه‌گیری درست و منطقی در راستای عملی کردن جبران زیان‌های عدم‌المنفع پژوهش و تحلیل‌های گسترده‌تری انجام گیرد، با این دیدگاه، مقاله حاضر سعی بر آن دارد که ابتدا با بررسی مبانی و شرایط این نوع بیمه‌نامه با نحوه انعقاد و انواع آن و همچنین تحلیل دیدگاه‌ها و نظریات حقوقدانان و فقها بطور اجمالی و به منظور نتیجه‌گیری درست و منطقی موارد ذکر شده را به بحث و بررسی بگذارد.

واژگان کلیدی: بیمه، بیمه‌گذار، خسارت، عدم منفعت، لاضرر

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق خصوصی mohsenebra87@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس

## مقدمه

نیاز جامعه امروزی به قوانین و مقررات پویایی است که با مرور زمان و تغییر نیازها و رفتارهای متفاوت از حقوق افراد، خصوصاً حقوق مالی آنان همگام با پیشرفت‌های تکنولوژی و سیستم‌های ارتباطی و صنعتی پویایی خود را حفظ نماید. به دلیل پیشرفت سریع تکنولوژی و سیستم‌های ارتباطی، وابستگی فرایند تولید به انرژی و همچنین رایانه‌ای شدن کلیه بخش‌های صنعتی و وابسته، می‌تواند دامنه خطر را افزایش داده و در صورت بروز هر حادثه وقفه‌ای طولانی در روند تولید ایجاد کند و باعث از بین رفتن منفعت و فرصت کسب شود. با بررسی دیدگاه‌های علمای فقه و حقوق در تفاوت بین عدم‌المنفع و تفویض منفعت و تحلیل ضرورت عدم‌المنفع از دید آنان، خسارت ناشی از عدم‌المنفع محقق‌الوصول را قابل جبران می‌دانند، گاهی خسارت ممکن است به علت تاخیر در انجام یا عدم ایفای تعهدات بیمه‌گذار، بر اثر وقوع حادثه یا از دست دادن مشتریان به علت عدم انجام تعهدات در زمان معین و همچنین از دست رفتن سود احتمالی ناشی از عدم فعالیت تولیدی یا اقتصادی بیمه‌گذار در دوره بازسازی می‌باشد. خطرات ناشی از پیشرفت تکنولوژی را نمی‌توان نادیده گرفت و وابستگی بخش‌های مختلف تولید به یکدیگر آنقدر توسعه یافته است که در صورت عدم فعالیت در هر بخش به هر علت، روند تولید با وقفه مواجه خواهد شد. از دیگر عواملی که باعث ایجاد خطر در عرصه تولید می‌شود به عدم وجود نیروهای متخصص کافی و تسلط بر دانش روز می‌باشد، که توجه به آنها برای مدیران به خصوص مدیران ریسک بسیار حائز اهمیت است، هدف از سرمایه‌گذاری در یک کارگاه تولیدی، علاوه بر تولید کار و گردش چرخ‌های اقتصادی سود بردن از آن فعالیت هم است؛ بنابراین بیمه عدم‌المنفع به هر شکل و نوع که باشد، ضامن تداوم سود حاصل در زمان بروز خطر و خسارت ناشی از آتش‌سوزی و ... و تعطیل شدن آن واحد تجاری است. در سال‌های اخیر از میان انواع بیمه عدم‌المنفع، از درآمد خالص و خسارت واقعی استقبال بیشتری شده‌اند است.

## ۱- تاریخچه بیمه عدم‌المنفع

آغاز فعالیت در بیمه عدم‌المنفع را باید بعد از جنگ جهانی اول جستجو کرد تا این زمان فقط خطر آتش‌سوزی بیمه می‌شد و خساراتی که واحد تولید کننده صنعتی از بیمه‌گر دریافت می‌کرد تقریباً برای ادامه فعالیت تولیدی کافی به نظر می‌رسید بعدها برخی از واحدهای تولیدی که از مراکز اعتباری و بانک‌ها وام گرفته بودند با توقف فعالیت نه تنها محصولی تولید نمی‌کردند بلکه فشار پرداخت اقساط وام نیز بدوش آنها سنگینی می‌کرد این مشکلات به اضافه نیاز تولید کنندگان به وام موجب شد که تولید کنندگان صنعتی چاره کار را در بیمه عدم‌المنفع جستجو کنند و به سراغ بیمه‌گران بروند. تجربیات سایر کشورها در زمینه بیمه، به خصوص

بیمه‌های عدم‌النفع باتوجه به بررسی‌های به عمل آمده و مطالعات صورت گرفته می‌تواند برای برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه این نوع پوشش بیمه‌ای مفید باشد. البته در حالت کلی وقوع پدیده سونامی، واقعه ۱۱ سپتامبر، بحران فرانسه، اعتصاب کارکنان بخش حمل و نقل عمومی آمریکا و ... که شرکت‌های بیمه را دچار چالش و اتخاذ تدابیر در جهت رویارویی با چنین خطراتی نمود می‌تواند بعنوان تجربه‌های مفید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. البته لازم به ذکر است که ساختار شرکت‌های بیمه داخلی باتوجه به سیاست تعرفه‌ای حاکم بر روند قوانین بیمه‌ای در ایران اجازه فعالیت بیمه‌گری به شکل گسترده در جهت اعمال و اجرای این الگوبرداری‌های منطقی را نمی‌دهد. اما می‌توان جهت بررسی و ارائه برنامه‌ریزی در چشم‌انداز آتی این موارد را ارزیابی و تحلیل کرد (دانش‌نامه بیمه، ۱۳۸۲).

## ۲- تعریف عدم‌النفع

عدم‌النفع عبارت است از اینکه شخص از فایده‌ای که انتظار دارد محروم شود، مثلاً از فروش مالی که تصور نفعی در آن داشته محروم و یا قراردادی که آن را مفید می‌دانسته فسخ گردد و از این قبیل (بهرامی احمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۹).

۶۹ - به سخنی، ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضای وجود آن حاصل شده است مانند توقیف غیرقانونی شاغل به کار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۱۶).

## - تعریف بیمه عدم‌النفع

از انواع پوشش بیمه‌ای است که در آن موضوع تعهد بیمه‌گر پرداخت وجه نقد معینی متناسب با زیان وارد به بیمه‌گذار بر اثر وقفه در جریان تولید ناشی از خسارت مادی است، که خسارت وقفه در تولید، شامل مبلغ سود از دست رفته و مخارج جاری است (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۹۰). چنانچه بر اثر خسارت مادی وقفه‌ای در جریان تولید یک بنگاه صنعتی پیش آید، بیمه‌گر عدم‌النفع، درآمد و سود از دست رفته ناشی از توقف تولید را براساس شروط قرارداد بیمه عدم‌النفع جبران می‌کند و آن بخش از هزینه‌هایی را که بیمه‌گذار، اضافه بر توقف تولید متحمل شده است را جبران می‌کند.

بیمه عدم‌النفع زیان ناشی از توقف تولید برای مدت مشخصی، مثلاً ۶ ماه، ۱۲ ماه، ۱۸ ماه و حتی ۲۴ ماه پس از وقفه تولیدی تا زمان شروع فعالیت مجدد، واحد بیمه شده را جبران می‌کند (بهرامی احمدی، ۱۳۶۶: ۳۳). لازم به بیان است که ساختار کلی بیمه عدم‌النفع متشکل از سه رکن بیمه‌گر، بیمه‌گذار و مورد بیمه است و مانند سایر بیمه‌نامه‌ها استثنائات عوامل موثر بر نرخ بیمه و شرایط و اصول بیمه‌ای بر آن حاکم است.

### ۳- انواع عدم‌النفع

#### ۳-۱- عدم‌النفع محقق

آن منفعتی است که هرگاه فعل معین موجود نمی‌گشت محققاً آن منفعت به متضرر می‌رسید و فعل مزبور علت منحصر نرسیدن منفعت شده است. مثلاً چنانچه کسی در خیابان در جلوی گاراژ دیگری جوی عمیق بکند و مانع از خروج اتومبیل کرایه بشود، کننده جوی مانع رسیدن منفعتی شده است که اتومبیل از کار کردن بدست می‌آورد، و همچنین هرگاه کسی عمله را بازداشت نماید و از کار روزانه باز دارد، مانع از رسیدن مزد او که منفعت محقق می‌باشد شده است (امامی، ۱۳۹۱: ۴۷۴).

چنانچه منافع مسلمی از دست برود که مقتضای حصول آن محقق شده و در صورت عدم وقوع فعل زیانبار منفعت حتمی است، (لازم به ذکر است مقصود از مسلم بودن منافع چه در مورد طبیعت منفعت و چه درباره میزان آن، رسیدن به یقین نیست بلکه ظن قوی کافی است، احتمالی که عرف آن را یقین می‌شمارد) (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۲).

#### ۳-۲- عدم‌النفع محتمل

عبارت است از منفعتی که هرگاه فعل معین موجود نمی‌شد احتمال داشت که آن عاید طرف گردد، در این منفعت احتمالی فاعل ضامن نیست زیرا رابطه علیت بین فعل و عدم پیدایش منفعت موجود نیست، و بر فرضی هم که ایجاد می‌گشت، احتمال داشت که منفعتی حاصل نشود (امامی، ۱۳۹۱: ۴۷۵).

در صورت تحقق عوامل و شرایط متعددی این نوع منافع تحصیل خواهد شد. «زیانی که ایجاد و وقوع آن محتمل است، ضرر محتمل‌الوقوع نامیده می‌شود و این در حالی است که فعلاً ضرری وجود ندارد و وجود آن هم در آینده برای متعاملین حتمی نیست و فقط در صورتیکه محقق شود قابل مطالبه خواهد بود. مثال: عینک‌سازی، عینک مشتری را به موقع تحویل ندهد و مشتری مدعی شود که به علت فقدان عینک، روزنامه را نتوانسته مطالعه کند و جدول معما حل نکرده است و در نتیجه از جایزه نفیس آن محروم گردیده است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۰: ۳۰۳).

نتیجه اینکه، عدم‌النفع به معنای اعم، شامل تفویت منافع محقق و محتمل می‌شود و صرفاً منافع محقق فوت شده قابل جبران است که در این مقاله عدم‌النفع به معنای اخص در نظر گرفته و ضمان‌آور می‌دانیم. پس عدم‌النفع به معنای اخص، ضرری است که به جهت محروم ماندن شخص از منفعت و فایده قطعی و مسلم‌الحصولی است که انتظار دارد به او برسد (خمینی، ۱۳۶۰: ۱۵۸).

#### ۴- حکم عدم‌النفع از دیدگاه فقه و حقوق

##### ۴-۱- حکم عدم‌النفع از دیدگاه فقه

در منابع فقهی عدم‌النفع به «عدم اکتساب» تعبیر شده در واقع ضرری که به شخص وارد می‌شود ممکن است مادی یا معنوی باشد. ضرر مادی خود به دو قسم قابل تقسیم است: ۱- از دست رفتن مال موجود و یا خسارت مثبت؛ ۲- از بین رفتن منفعت و یا خسارت منفی، که همان عدم‌النفع است (بهرامی احمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۹). عدم‌النفع گاهی ضرر محسوب می‌شود در این صورت عبارت است از؛ حرمان از نفعی که به احتمال قریب به یقین حسب جریان عادی امور و اوضاع و احوال خصوص مورد، امید وصول به آن نفع، معقول و مترقب و مقدور بوده باشد. عدم‌النفع محروم شدن شخص، از فایده مورد انتظار است.

برخی گفته‌اند؛ هنگامی از عدم‌النفع یا تفویت منفعت سخن به میان می‌آید که در نتیجه عمل زیانبار، دارایی شخص فزونی نیافته است، در حالیکه اگر این واقعه رخ نمی‌داد برطبق روند عادی عدم‌النفع عبارت است از فوت شدن منافع محقق‌الحصولی که شخص از آن محروم شده است. مرحوم طباطبایی در تعریف عدم‌النفع آورده: چنانچه برای مدتی که شخص در حبس است طبق معمول اجرتی باشد، به صورتی که اگر او حبس نمی‌گردید، این منافع حاصل می‌شد، پس چنین حبسی سبب تفویت منفعت گردیده و تعهد به جبران خسارت در این فرض وجود دارد (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۶).

۷۱

در کتاب‌العناوین آمده: «چیزهای متعلق به مکلف نظیر مال، منافع و حق، خواه بالفعل موجود باشد یا بالقوه، یعنی اگر مانعی پیش نیاید شأن و مقتضای آن پیدایش است، آیا در این مورد ضرر محقق می‌شود؟ درخصوص آنچه مال است بلاشک ضرر صدق می‌کند، این در جایی است که موجودیت بالفعل باشد، اما آنچه که بالقوه است مانند میوه باغ و منفعت سایر املاک نیز همین حکم را دارد» (مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۳۰۸). علمای فقه با تفکیک بین منافع محقق و محتمل ضرر مسلم و محقق را قابل مطالبه دانسته و براساس قواعد فقهی از جمله: لاضرر، اتلاف، تثبیت، بنای عقلاء و جواز مقابله به مثل آن را قابل مطالبه دانسته‌اند.

بین منافع محقق‌الوقوع و غیر آن تفاوت است. «چنانچه برای مدتی که شخص در حبس است عادتاً اجرتی باشد، به صورتی که اگر او حبس نمی‌گردید، این منافع حاصل می‌شد، چنین حبسی سبب تفویت منفعت گردیده و تعهد به جبران خسارت در این فرض وجود دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۵۹۸). در کتاب‌العناوین آمده: چیزهای متعلق به مکلف نظیر مال، منافع و حق، خواه بالفعل موجود باشد یا بالقوه، یعنی اگر مانعی پیش نیاید شأن و مقتضای آنها پیدایش است، آیا در این مورد ضرر محقق می‌شود؟ درخصوص آنچه مال است بلاشک ضرر صدق می‌کند، این در جایی است که موجودیت بالفعل باشد اما آنچه که بالقوه است مانند میوه

باغ و منفعت سایر املاک نیز، همین حکم را دارد. آنچه عرفاً موجب نقض در عین و منفعت است، بدون شک ضرر است و اقدام فاعل، اضرار است (مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۳۰۸).

#### ۴-۲- حکم عدم‌النفع از دیدگاه حقوق

قانون بطور صریح تعریفی از عدم‌النفع ننموده اما در برخی مواد آن را به رسمیت شناخته و اعلام نموده که خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل جبران و در برخی دیگر آن را نپذیرفته و مقرر داشته خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل جبران نیست. بنابراین عدم‌النفع، باتوجه به تعاریف حقوقدانان و فقها عبارت است از:

«ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که از مقتضی وجود آن حاصل شده است؛ مانند توقیف غیرقانونی شاغل بکار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۴۴۵)، و در جای دیگر آمده: «آن منفعتی است که هرگاه فعل معین موجود نمی‌شد محققاً آن منفعت به متضرر می‌رسید و فعل مزبور به همان علت منحصر سبب نرسیدن منعت شده است بعنوان مثال اگر کسی در تصادف با خودرو مقصر شناخته شود، علاوه بر خسارت مادی تعمیر خودرو باید، اجرت متعارف راننده تاکسی در مدتی که تعمیر تاکسی به طول می‌انجامد را پرداخت کند و همچنین هرگاه کسی کارگری را بازداشت نماید و از کار روزانه باز دارد مانع رسیدن مزد از او که منفعت محقق می‌باشد، شده است (امامی، ۱۳۹۱: ۴۷۳). تا قبل از تصویب قانون آئین دادرسی مدنی محاکم ایران در مورد عدم‌النفع به ماده ۳۷ قانون تسریع محاکمات، مصوب تیر ماه ۱۳۰۹ و نیز ماده ۴۹ ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ استناد می‌کردند، براساس نظریات مختلف و به استناد قانون مدنی برخی مطالبه عدم‌النفع را موجه شناخته‌اند، چنانچه عدل می‌نویسد: «کلمه خسارت هم شامل ضرر حقیقی و هم شامل عدم‌النفع است. هرگاه عدم انجام یا تأخیر در انجام تعهد، مستند به متعهد باشد. مشارالیه باید از عهده هر منفعتی که از متعهدله تفویض نموده است برآید» (عدل، ۱۳۷۳: ۱۳۴). همچنین آیین دادرسی مقرر داشته: ضرر ممکن به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل شده است (ماده ۷۲۸ قانون آ.د.م).

قانون مدنی در ماده ۳۱۲ عدم‌النفع را به رسمیت نشناخته، اما در مقابل در ماده دیگر بیان می‌کند: «هرگاه شخصی مانع مالک از تصرف در ملک خود شود، بدون آنکه خود، تسلط بر آن پیدا کند، غاصب محسوب نمی‌شود؛ ولی در صورت اتلاف یا تسبیب، ضامن خواهد بود» (ماده ۳۰۹ قانون مدنی).

براساس ماده فوق چنین استدلال می‌شود که خسارت عدم‌النفع به علت اتلاف یا تسبیب، قابل مطالبه است علیرغم مخالفت مشهور فقها، قانون مدنی نظر اقلیت فقهای را که عدم‌النفع را ضرر می‌دانند، پذیرفته است و این حکم کلی قانون مدنی است، اما حکم ماده ۳۱۲ قانون مدنی، استثنا است و تاب ایجاد در مقابل حکم کلی ندارد و باید در همان محدوده ماده ۳۱۲ قانون مدنی اعمال گردد، با تصویب قانون مسئولیت مدنی در

سال ۱۳۳۹، مقنن از مسئله عدم‌النفع غافل نبود و مقرر داشت «...در صورت مرگ آسیب دیده، زیان، شامل کلیه هزینه‌ها، مخصوصاً هزینه کفن و دفن است. اگر مرگ فوری نباشد، هزینه معالجه و زیان ناشی سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد» (ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹). همچنین در قانون آ.د.ک ۱۳۳۹ عدم‌النفع را به رسمیت شناخته (بند ۲ ماده ۹ قانون آ.د.ک، ۱۳۳۹). منطق همین عیناً در بند ۲ ماده ۹ مصوب ۱۳۷۹ پیش‌بینی شده است. اما قانون آئین دادرسی مدنی در مواد مختلف عدم‌النفع را به رسمیت نشناخته و مقرر می‌دارد: «ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست» (ماده ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م. ۱۳۷۹).

### ۵- آیا عدم منفعت ضرر است یا خیر؟

قول مشهوری که بین فقها رایج است «عدم‌النفع لیس بالضرر»، عدم‌النفع ضرر نیست. اما به منظور پاسخ به این پرسش ابتدا باید ضرر را شناخت، ضرر در لغت به معنای گزند و نقصان و ضد نفع است و زیان به معنای نقصان خسارت، ضرر و ضد سود می‌باشد، این دو کلمه (ضرر و زیان) با هم مترادفند است در اصطلاح فقهی، ضرر عرفاً عبارت از نقصی که بر مال یا هر چیز دیگری که درباره بعدی از ابعاد وجود شخص بوده و موجودیت دارد و یا مقتضی آن متحقق باشد وارد آید. مرحوم نائینی نیز در این خصوص می‌گوید: ضرر عبارت است از فوت یا نقض آنچه انسان واجد آن است، خواه نقض باشد یا عرض یا مال، جوارح، بلکه عدم‌النفع چنانچه مقدمات‌اش کامل شده باشد ضرر محسوب می‌شود. جعفری لنگرودی موارد زیر را مصادیق ضرر می‌داند: صدمه جانی زدن به خود و دیگری خواه صورت ضرب و جرح باشد، خواه به صورت قتل، تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود و تعرض به ناموس دیگران. اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر مانند غصب و خیانت در امانت، ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی، که مقتضی آن حاصل شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۱۶).

تواتر معنوی که از تعاریف فوق حاصل می‌شود این است که ضرر، زیان و آسیب وارد کردن به هر یک از حقوق و مصالح مشروع انسان است و این حقوق شامل تمامی حقوق و منافع در چارچوب شرع و قانون است و طبق تعریف نائینی و جعفری لنگرودی از ضرر، شامل منافع محقق نیز می‌شود که طبق مسلمات فقه باید جبران گردد. به نظر می‌رسد با عنایت به مقررات مختلف، خصوصاً بند ۲ ماده ۹ قانون آ.د.ک که در مدت زمان کوتاهی قبل از تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی تصویب شده اراده قانونگذار در تبصره اخیر به انواع معینی از عدم‌النفع، یعنی عدم‌النفعی که منافع در آن عرفاً ممکن نیست تعلق گرفته باشد (ره‌پیک، ۱۳۸۱: ۳۵). در این صورت ماده ۵۱۵ و ۲۶۷ قانون آ.د.م. محدود به منع مطالبه خسارات احتمالی است که بنابه سیرعادی و رویه متعارف امور محقق نخواهد شد.

**۶- موضوع بیمه عدم‌النفع**

شی یا جسم مادی نیست بلکه زیان پولی است، بیمه زیان پولی بیمه‌ای است که موضوع آن تضمین جبران زیان‌های پولی غیرمادی بیمه‌گذار، مانند از دست دادن درآمد، سود، اجاره‌بها و یا کاهش ارزش پولی است که به سه نوع عمده «بیمه اعتبار»، «بیمه تضمین» و «بیمه عدم‌النفع» تقسیم می‌شود، برخی بیمه صداقت و امانت کارکنان را نیز از جمله بیمه‌های زیان پولی به شمار می‌آورند (کریمی، ۱۳۷۸: ۲۴۷).

با معرفی و بیان مبانی اصولی کلی حاکم بر این بیمه‌نامه با توجه به نقش و اهمیت این پوشش در فرآیند تولید، ارتباط فعال و موثر سه بخش اساسی صنعت بطور کلی و صنعت بیمه بطور خاص و مجامع علمی را می‌طلبد زیرا با شناسایی دقیق مراحل تولید و تدوین سیاست‌های بیمه‌ای در کنار تحقیقات علمی و مطالعات کاربردی و با توجه به تجربیات سایر کشورها می‌توان کمک بسزایی در توسعه و رشد این بیمه‌نامه باشد (جلالی، ۱۳۸۴: ۶۷). بیمه عدم‌النفع علاوه بر تأمین بیمه‌ای محاسن متعددی برای بیمه‌گذاران داشته که بطور خلاصه عبارتست از:

- (۱) حفظ امنیت تولید برای بیمه‌گذاران با در اختیار داشتن این پوشش بیمه‌ای مهیا می‌شود؛
- (۲) امکان حفظ و تأمین نیروی ماهر و متخصص در هنگام بروز وقفه در جریان تولید برای کارفرمایان ایجاد می‌شود؛
- (۳) افزایش اعتبار بیمه‌گذاران در مقابل موسسات مالی و اعتبار دهنده با خرید این پوشش بیمه‌ای حفظ می‌گردد؛
- (۴) این پوشش سبب کاهش ریسک و تقلیل خسارت برای بیمه‌گذار می‌شود، بطوریکه در مراحل ارزیابی، راه‌های کاهش خطر مشخص می‌شود و با اعمال آن دامنه ریسک کاهش می‌یابد. عاملی در جهت جذب سرمایه و اعتبار محسوب می‌شود.

۷۴

**۶-۱- شرایط قرارداد بیمه عدم‌النفع**

- (۱) اهلیت بیمه‌گر؛
- (۲) اهلیت بیمه‌گذار؛
- (۳) موضوع بیمه؛
- (۴) مشروعیت جهت قرارداد؛
- (۵) وقوع خسارت مادی؛
- (۶) شرط ارائه کامل اطلاعات.



بیمه‌گذار بایستی در هنگام عقد قرارداد کلیه اطلاعاتی که درخصوص مورد بیمه موثر در تصمیم بیمه‌گر است با کمال صداقت و درستی اظهار کند، بطوریکه بیمه‌گر بتواند با این اطلاعات اهمیت خطری را که مورد پوشش بیمه قرار می‌دهد، تشخیص دهد.

#### ۶-۲- بیمه عدم‌النفع بیکاری

کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری، براساس قانون بیمه بیکاری شرکت‌های بیمه‌گر در مواقعی براساس قانون، خسارات ناشی از عدم‌النفع بیکاری، را به کارگر بیکار، پرداخت می‌نمایند. این قانون مقرر می‌دارد: «بیمه شدگانی که به علت بروز حوادث قهریه از قبیل؛ سیل، زلزله، جنگ، آتش‌سوزی و ... بیکار می‌شوند، در صورتیکه سابقه پرداخت حق بیمه آنان کمتر از ۶ ماه باشد، مطابق مشمولینی که دارای ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه می‌باشند، از مقررات بیمه بیکاری استفاده خواهند نمود»، خسارت پرداختی مشخص شده در این قانون به تمامی کارگران که تحت پوشش بیمه بیکاری اعم از کسانی که دارای سابقه پرداخت حق بیمه و کسانی بدون سابقه می‌باشند، در صورتی که عوامل قهریه باعث بیکاری آنان شده باشد، بیمه خسارت عدم‌النفع به آنان پرداخت می‌نماید (ماده ۶ قانون بیمه بیکاری مصوب، ۱۳۶۹/۰۵/۲۵).

#### ۷- حدود جبران خسارت ناشی از بیمه عدم‌النفع

پیش از این تردید داشتند که، از دست رفتن منفعت در زمره ضررها آورند ولی امروزه در حقوق گوناگون، عدم‌النفع در شمار خسارت است، کاتوزیان در این خصوص می‌گوید: «ضرر مالی که بر شخص می‌رسد ممکن است در اثر از بین رفتن مال باشد، اعم از عین و منفعت یا حق» یا در نتیجه از دست دادن منفعتی، (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۴۳). در قسمت آخر ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، که اعلام شده بود: ضرر ممکن است از بین رفتن مالی باشد و یا بواسطه فوت شدن منفعتی که از اجرای تعهد حاصل می‌شده است، که در آن غرض از تفویض منفعت از بین رفتن منفعت محقق بود یعنی آن منفعتی که اگر متعهد به تعهد خود عمل می‌کرد حتماً نفعی نصیب متعهدله می‌گردید؛ مثلاً تاجری تعدادی از محصولات کارخانه‌ای را خریداری کرده باشد که قیمت تک فروشی آن در بازار با قیمت کارخانه ۵۰ تومان تفاوت داشته باشد و قرار آن باشد که آن اجناس بعد از دو ماه پس از انعقاد معامله تحویل شود اما کارخانه از اجرای تعهد خود استنکاف ورزد (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۹۷). در اینجا چون منفعت مسلمی از تاجر فوت شده است، وی می‌تواند مطالبه خسارت کند. شرایط استحقاق متعهدله نسبت به مطالبه خسارت تعیین شده:

برای اینکه متعهدله بتواند مطالبه خسارت کند باید؛  
اولاً: مدت مقرر برای اجرای تعهد منقضی شده باشد.

ثانیاً: ضرر، متحقق و متوجه متعهدله شده باشد.

ثالثاً: عدم‌اجرا مستند به خود متعهد باشد و ناشی از علت خارجی نباشد.

رابعاً: جبران خسارت به موجب قرار داد یا عرف یا قانون لازم باشد.

بطور خلاصه می‌توان بیان کرد که خواهان باتوجه به شرط تعیین خسارت در قرارداد به استناد مواد قانون مدنی (مواد ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰ قانون مدنی)؛ با رعایت شرایط مذکور در ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی می‌تواند از خواننده، مبلغ مندرج در قرارداد را بعنوان خسارت مطالبه کند. البته مطالبه خسارت، همانگونه که بیان شد در صورتی است که عدم‌اجرا و خسارت مستند به فعل یا ترک فعل متعهد باشد و یا متعهدله در ورود آن با افزایش خسارت دخیل نباشد. در سیستم حقوقی ایران، باید قبل از مطالبه خسارت، اجرای اصل تعهد مطالبه شده باشد؛ یعنی مطالبه خسارت در طول مطالبه اجرای تعهد اصلی است (جلالی لواسانی، ۱۳۸۸: ۸۱).

در هر حال خواهان نباید بیکار بنشیند و شاهد ورود خسارت به خویش و خواننده باشد؛ به تعبیر دیگر او نمی‌تواند تا حدودی که خسارات قابل اجتناب بوده است از خواننده مطالبه خسارت کند. موید دیگر این ادعا ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ است. براساس ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی در صورتی که خسارت مستند به متعهد نباشد بلکه به متعهدله یا شخص ثالثی یا حادثه خارجی (فورس ماژور) مستند باشد، نمی‌توان متعهد را مسئول شناخت و از وی جبران خسارت را مطالبه کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰) و ماده ۲۲۱ ق.م. نیز در سه وضعیت، متعهد را مسئول جبران خسارت قلمداد کرده است:

۱) جبران خسارت در قرارداد تصریح شده باشد که در این صورت به استناد ماده ۱۰ ق.م متعهد مسئول جبران خسارت خواهد بود.

۲) تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یعنی هنگامی که شخصی در برابر دیگری تعهد بر اجرای دیگری می‌کند از عرف استنباط می‌شود که طرفین ضمناً بر لزوم جبران خسارت در صورت عدم اجرای تعهد توافق کرده‌اند مگر اینکه خلاف آن را در قرارداد تصریح کرده باشند؛ بنابراین اجرای مفاد ماده ۲۲۱ نیز با لحاظ مقررات مندرج در ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قابلیت استناد و اجرا دارد.

۳) تعهد برحسب قانون موجب ضمان باشد.

## نتیجه‌گیری

یکی از اهداف هر نظام حقوقی برای استقرار ثبات و امنیت در جامعه تحقق عدالت از طریق جبران ضرر و زیان‌های وارد به افراد جامعه می‌باشد، با تحولات جامعه انسانی و ظهور دولت‌های مستقل و تدوین قواعد و ضوابط عرفی و قراردادی، نظم حقوقی خاصی پدیدار گردید که از جمله مهمترین نتایج آن؛ فردی بودن مسئولیت و اقدام دولت، برای احقاق حقوق تفویض شده اشخاص می‌باشد، نظام‌های حقوقی معمولاً ضرر و زیان‌های وارده را به دو ضرر مادی و معنوی تقسیم‌بندی نموده‌اند؛ ضرر از آن جهت که به دارایی و حقوق مالی وارد شود، ضرر مادی، و از آن جهت که لطمه موجب لطمه به سرمایه‌های معنوی است، ضرر معنوی تلقی نموده‌اند. از جمله یکی از ضرر و زیان‌های مادی؛ زیان مالی است که اعم از عین و منفعت می‌باشد، که زیان ناشی از دست رفتن منفعت، همان عدم‌المنفع محسوب می‌شود، که تعریف فقها و حقوقدانان، از عدم‌المنفع عبارت است از؛ حاصل نشدن نفعی که معطوف به آینده است. از بین رفتن منفعت (عدم‌المنفع) به دو دسته، - عدم‌المنفع محقق، - عدم‌المنفع محتمل تقسیم می‌شود:

۱) عدم‌المنفع محقق: نفعی است که مقتضای حصول آن محقق شده است و چنانچه فعل زیانبار به وقوع نپیوندد، آن منفعت حتماً به دست می‌آید؛ از این‌رو، عدم تحصیل منفعت، منحصرًا معلول فعل زیانبار است که قطعاً موجب ضمان است، مثل آنکه شخصی، کارگر یا صنعتگری را زندانی کند و مانع کار و درآمد وی ۷۷ شود یا اینکه کسی، وسیله منحصر کار او را ضبط نماید و به این علت، مالک از کسب و درآمد معینی در مدت خاصی محروم شود.

۲) عدم‌المنفع محتمل: عبارت است از منفعتی که هرگاه فعل معین موجود نمی‌شد احتمال داشت که آن عاید طرف گردد، در این منفعت احتمالی فاعل ضامن نیست زیرا رابطه علیت بین فعل و عدم پیدایش منفعت موجود نیست، و بر فرضی هم که ایجاد می‌گشت، احتمال داشت که منفعت حاصل نشود، مثل اینکه موزع روزنامه، روزنامه‌ای را که در آن اعلان مزایده ملکی درج شده به مشترک آن روزنامه نمی‌رساند و او در مزایده شرکت نمی‌کند، مشترک پس از اطلاع، بر این امر اقامه دعوی علیه موزع می‌نماید و خسارت وارده را از او می‌خواهد، بدین تقریب که هرگاه روزنامه را موزع به او می‌رساند، او به مزایده‌ای که وزارت دارایی اعلام نموده بود شرکت می‌کرد و برنده می‌شد و از آن مبلغ استفاده می‌نمود.

از دیدگاه حقوق ایران مواد مختلفی در قانون به خسارت عدم‌المنفع پرداخته، اما تعریف خاصی از عدم‌المنفع صورت نگرفته، شاید به دلیل روشن بودن موضوع و تعاریف و بیاناتی است که علماء فقه ارائه نموده‌اند و قانونگذار لزومی در ارائه تعریف خاص آن ندیده است. باتوجه به تحقیقاتی که در این مقاله انجام گرفت، از نظر نگارنده، بیمه عدم‌المنفع دارای مشکلات علمی و عملی خاص خود می‌باشد که به صورت زیر است:

### مشکلات علمی آن عبارت است از

۱) نقض قوانین: قوانین در زمینه حقوق بیمه نه تنها از جامعیت لازم برخوردار نیست؛ بلکه همین قوانین در مرحله اجرا بسیار ضعیف است و به جهت تفاسیر مختلفی که از آن به عمل می‌آید، مسائل پیچیده امروزی را بنحو مطلوبی تبیین نمی‌کند و راه‌حل مناسبی ارائه نمی‌دهد؛ از این‌رو، لازم است که قوانین و آئین‌نامه‌های اجرائی مناسبی در مورد بیمه عدم‌النفع براساس تجربیات جوامع پیشرفته تدوین و حسب تغییرات اجتماعی و اقتصادی، مورد بازنگری قرار گیرند.

۲) ضعف تحقیقات علمی: اساساً، یکی از مشکلات علمی قراردادهای بیمه‌ای در کشور عدم‌اهتمام جدی به مباحث بیمه‌ای در مراکز علمی پژوهشی است، بطوریکه در غالب دانشکده‌های حقوق درس حقوق بیمه بعنوان واحدهای اختیاری رشته حقوق محسوب می‌شود و این مبین عدم توجه کافی به این رشته حقوقی است درحالیکه حقوق بیمه در اکثر کشورهای اروپایی از جمله مباحث جدی دانشکده‌های حقوق است و تالیفات متعددی در این رشته نگاشته شده است. اما در کشور ما، نه قانون خاصی در این موضوع اختصاص داده شده و نه تالیفات جامعی مکتوب گردیده است.

۳) فقدان سیستم نظارتی: در بیشتر موارد، نظارت کافی بر اجرای مقررات و قوانین مصوب اعمال نمی‌شود. بعنوان مثال برای صدور مجوز استاندارد و پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی، مجموعه‌ای از الزامات قانونی وجود دارد، اما نظارت بر تداوم رعایت این استانداردها، معمولاً بنحو مناسبی صورت نمی‌گیرد. نظارت بر نحوه فعالیت‌های واحدهای تولیدی، می‌تواند تولید کنندگان را به استفاده از پوشش‌های بیمه‌ای ترغیب سازد.

۴) تردید در مشروعیت مطالبه عدم‌النفع: در خصوص مشروعیت مطالبه عدم‌النفع از دیرباز مورد اختلاف نظر فقهای امامیه بود، این اختلاف با تصویب قوانین متعارض در برهه‌های زمانی متفاوت گسترش یافته است. با این وجود، امروزه هنوز نسبت به مطالبه عدم‌النفع اتفاق نظری وجود ندارد و رویه قضایی ثابتی هم در این زمینه دیده نمی‌شود؛ لذا پذیرش بیمه عدم‌النفع به شکل امروزی آن با مخالفت‌هایی روبرو شده است.

### مشکلات عملی بیمه عدم‌النفع

۱) عدم ارزیابی مناسب با خسارت: از مشکلات عملی توسعه بیمه عدم‌النفع در کشور ایران، اعتقاد مدیران به عدم ارائه اطلاعات و آمار و ارقام صورت‌های مالی و ترازنامه سود و زیان‌شان است؛ در واقع در پرداخت خسارت، این اطلاعات بعنوان مستند و پایه ارزیابی میزان خسارت مورد استفاده کارشناسان بیمه قرار می‌گیرد. از این‌رو، شرکت‌های بیمه در پرداخت خسارت باید به عامل بازدارنده یاد شده توجه داشته باشند و جهت حل این مشکل باید از طریق شبیه‌سازی در رشته‌های گوناگون بیمه‌ای مانند بیمه آتش‌سوزی و یا شکست ماشین‌آلات، خسارت‌ها را به صورت واقعی مشخص کنند.

بیمه‌گر بایستی باتوجه به تولید و با مراجعه به سوابق و بیلان کاری و نیز دفاتر تجاری یک موسسه پیشینه درآمدی آن را استخراج نماید و از آن طرف بنگاه‌ها با محافظه‌کاری و گاهی تغییر ارقام و اعداد در دفتر تجاری سعی در پنهان‌کاری و کسب درآمد دارند، در این صورت بیمه‌گر در ارزیابی خسارت وارده دچار سردرگمی می‌گردد.

۲) **عدم ارائه اطلاعات مالی از طرف شرکت:** از مشکلات عملی توسعه این بیمه در کشور ما این است که موسسات و شرکت‌ها اطلاعات و آمار و ارقام صورت‌های مالی و ترازنامه سود و زیان‌شان ارائه نمی‌دهند و این در پرداخت خسارت بعنوان مستند و پایه ارزیابی میزان خسارت مورد استفاده کارشناسان بیمه قرار می‌گیرد. ۳) عدم تدوین تعرفه خاص نرخ حق بیمه، بیمه عدم‌النفع از جانب مراجع تصمیم‌گیرنده.

۴) استفاده از اطلاعات و سوابق آماری مربوط به حق بیمه و خسارات این نوع بیمه در سایر کشورهای پیشرفته شامل: تعداد موارد بیمه (تعداد مورد بیمه)، میزان حق بیمه، خسارات پرداختی برای هر رشته خاص فعالیت اقتصادی و تولیدی و مقایسه آنها با آمارها و اطلاعات داخل کشور.

#### از جمله راهکارهای عملی جهت توسعه بیمه عدم‌النفع از نظر نگارنده

- ۱) ایجاد قوانین و مقررات مدون و جامع: این مشکل از یک طرف به نقص قانون بیمه بطورعام مربوط است، زیرا این قانون از زمان تصویب آن در سال ۱۳۱۶، مورد اصلاح و بازنگری قرار نگرفته و در زمینه‌های مختلف به ویژه بیمه عدم‌النفع ناقص است که با وجود اهمیت فوق‌العاده آن در جبران خسارت فرد متضرر، مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است؛ از طرف دیگر، فقدان مقررات قانونی در زمینه بیمه عدم‌النفع بطورخاص، مزید بر علت است؛ لذا در جهت رفع این مشکل لازم است با در نظر گرفتن نتایج بررسی حقوقدانان و فقهاء به همراه نظرات فنی کارشناسان بیمه، لایحه اصلاح قانون بیمه بطوریکه احکام، شرایط و آثار بیمه عدم‌النفع در آن مورد توجه قرار گرفته باشد از طرف شورای عالی بیمه تهیه شود و به تصویب قانونگذار برسد و یا اینکه قانون مستقلی با عنوان بیمه عدم‌النفع تصویب شود؛
- ۲) ایجاد شرایط لازم و استاندارد بین شرکت‌های بیمه: در مقابل چنین مشکلی با انجام مطالعات و بررسی‌های لازم شرایط اختصاصی هر نوع بیمه و عواملی که در آن موثر است و آثار این شرایط در زمینه‌های گوناگون با تحقیقات و پژوهش‌های لازم در دانشکده حقوق تبیین می‌شود؛
- ۳) وجود آمار صحیح و مدون: برای رفع چنین مشکلی می‌توان با تهیه تعرفه علمی براساس آمار و اطلاعات کارشناسی دقیق برای تعیین نرخ عادلانه حق بیمه نسبت به هر بنگاه اقتصادی، به شکل مجزا از راهکارهای حل این مشکل است؛
- ۴) توسعه نمایندگی و افزایش شبکه فروش دیگر راهکارهای عملی می‌باشد.

## فهرست منابع

- ۱- امامی، حسن (۱۳۹۱)، حقوق مدنی، چ ۳۳، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۲- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۶۶)، سوء استفاده از حق، چ ۱، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۰)، تاریخ حقوق ایران، تهران: انتشارات معرفت.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، چ ۶، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۵- جلالی لوسانی، احسان (۱۳۸۸)، «بیمه عدم‌النفع و بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای آن»، ماهنامه تازه‌های جهان بیمه، س ۱۲، ش ۱۴۰.
- ۶- جلالی، احسان (۱۳۸۴)، «بررسی ساختار بیمه عدم‌النفع و عوامل مؤثر بر تقاضای آن»، مجله پیام بیمه.
- ۷- خمینی، روح‌اله (۱۳۶۰)، رساله نوین: تحریر الوسیله، ج ۴.
- ۸- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۱)، «خسارت عدم‌النفع، نظریات و مقررات»، مجله دانشکده علوم قضایی.
- ۹- عدل، مصطفی (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، تهران: بحرعلوم.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- کریمی، آیت (۱۳۷۸)، «پرسش و پاسخ جامع بیمه‌ای»، مجله بیمه مرکزی ایران.
- ۱۲- کریمی، آیت (۱۳۸۲)، کلیات بیمه مرکزی ایران، تهران: انتشارات بیمه.
- ۱۳- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۴)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۱۴- مراغه‌ای، میرفتاح (۱۴۱۸)، العناوین، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه بجماعه المدرسین.
- ۱۵- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۲)، قواعد فقه بخش مدنی، ج ۱۰، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.